

## پویایی در ترجمان فضایی-کالبدی مفهوم اسلامی عدالت با تحلیل کار توگرافیک تعادل فضایی در نواحی ۱۱۲ گانه کلانشهر تهران

• رضا خیرالدین \*

عضو هیات علمی گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران  
پژوهشگر و عضو وابسته گروه مهندسی پروژه‌های آمایش شهری و منظر (IPAPE)،  
پلی تکنیک دانشگاه فرانسوا رابوله تور، فرانسه

### چکیده:

یکپارچگی شهری به عنوان یکی از معیارهای مهم در کیفیت تحولات توسعه‌ای شهرها مطرح است. به عبارتی شکاف و جدایی‌گزینی اجتماعی (Social Segregation) در روند تحولات فضایی-کالبدی محلات و مناطق مختلف یک شهر پدیده مطلوبی نیست. از آنجا که این پدیده، موجب تفکیک طبقات مختلف اجتماعی در پهنه‌ها و محلات متمایز می‌شود، لذا می‌تواند منشأ اصلی برخی دوگانگی‌ها و تضادهای جدی بین محلات بالا و پایین اقتصادی-اجتماعی گردد. چنین شرایطی تعادل کلیت شهر را مختل نموده و برای یکپارچگی فضایی (Spatial Integration) آن تهدیدآفرین خواهد بود. از این رو تعادل بخشی و یکپارچه کردن مناطق مختلف شهری یکی از الزامات راهبردی در طرح‌های شهرسازی در مواجهه با جدایی‌گزینی فضایی شهرهاست. در مقاله حاضر مفهوم تعادل بخشی جهت یکپارچگی تمامیت شهر از دیدگاه اسلامی (قرآن و نهج البلاغه) مد نظر قرار می‌گیرد. تعادل بخشی و عدالت فضایی (Spatial Justice) در مناطق شهری لزوماً به معنی تلاش برای مساوی و همگون سازی نواحی مختلف نیست. بلکه کوششی نظام‌یافته از سازماندهی فضایی و تأمین نیازهای متناسب برای هر یک از محلات با وجود تنوع و پویایی در آنها است. در این فرآیند، گونه‌ها و سلسله مراتب مختلفی از محلات با ویژگی‌های خاص وجود دارند. تفاوت محلات منجر به تفاخر و برتری‌جویی ناشی از اسکان در آن نمی‌شود. بلکه تعلق ساکنان به محله اسکان خود امری تعیین‌کننده است. به عبارتی محلات به خاطر ساکنان اعتبار می‌یابند و اسکان در یک محله اعتباری ذاتی و تمییز اجتماعی (Social Discrimination) به ساکن نمی‌دهد. لذا اکثر همه محلات در وحدت کل شهر، بدور از احساس تقابل اجتماعی و دوگانگی فضایی به صورت یکپارچه نظام می‌یابند. تبیین مصداقی و دقیق بحث با بررسی کیفیت زندگی و گونه‌شناسی نواحی مختلف کلانشهر تهران (۱۱۲ ناحیه شهری) برای سنجش شکاف و جدایی‌گزینی فضایی-کالبدی در آن صورت می‌گیرد. روش‌شناسی تحقیق بر تبیین مؤلفه‌های مشخص مفاهیم نظری از منابع اسلامی و تعیین شاخص‌های کمی سنجش شکاف فضایی مبتنی است. تحلیل‌های مربوط به ارزیابی یکپارچگی شهری با استفاده از مدل‌های آنالیز مکان مرجع (Geo-referencial Analysis) و کار توگرافیک از تمام نواحی شهر تهران برحسب حدود ۵۰ شاخص کمی صورت می‌گیرد و خروجی‌ها و یافته‌های تحلیل، اقدامات، طرح‌ها و سیاست‌های ساماندهی مناطق شهری توسط مدیریت شهری را در دو دهه اخیر در ترازوی سنجش تعادل شهری قرار می‌دهد. به این معنا که آیا تحولات شهر تهران به عنوان پایتخت کشور اسلامی ایران به سوی تعادل و پویایی شهری بوده یا گسیختگی و جدایی‌گزینی فضایی-کالبدی؟  
واژه‌های کلیدی: تعادل شهری، جدایی‌گزینی اجتماعی، یکپارچگی شهری، عدالت اسلامی، تهران

## مقدمه :

مقوله عدالت و جنبه فضایی آن و به ویژه تعادل شهری از جمله موضوعات بسیار بحث‌انگیز و در عین حال دشوار برای مفاهمه بوده است. یکپارچگی شهری به عنوان یکی از معیارهای مهم در کیفیت تحولات توسعه‌ای شهرها مطرح است. شکاف و جدایی‌گزینی اجتماعی در تحولات فضایی مناطق مختلف یک شهر به عنوان یک پدیده نامطلوب، موجب تفکیک طبقات مختلف اجتماعی در پهنه‌ها و محلات متمایز می‌شود. لذا منشأ اصلی برخی دوگانگی‌ها و تضادهای جدی بین محلات بالا و پایین اقتصادی-اجتماعی است. چنین شرایطی تعادل کلیت شهر را مختل نموده و برای یکپارچگی فضایی آن تهدیدآفرین خواهد بود. از این رو تعادل بخشی و یکپارچه‌کردن مناطق مختلف شهری یکی از الزامات راهبردی در طرح‌های شهرسازی در مواجهه با جدایی‌گزینی فضایی شهرهاست.

تعادل بخشی فضایی در مناطق شهری همیشه به معنی تلاش برای مساوی و همگون سازی نواحی مختلف نبوده و کوششی نظام یافته از سازماندهی فضایی و تأمین نیازهای متناسب برای هر یک از محلات با وجود تنوع و پویایی در آنها است. در این فرآیند گونه‌های مختلفی از محلات با ویژگی‌های خاص وجود دارند. تفاوت محلات منجر به تفاخر و برتری‌جویی ناشی از اسکان در آن نمی‌شود. بلکه تعلق ساکنان به محله اسکان خود امری تعیین‌کننده است. به عبارتی محلات بخاطر ساکنان اعتبار می‌یابند و اسکان در یک محله اعتباری ذاتی و تمییز اجتماعی به ساکن نمی‌دهد. لذا کثرت همه محلات در وحدت کل شهر، به دور از احساس تضاد (antagonism) و تقابل اجتماعی و دوگانگی فضایی به صورت یکپارچه نظام می‌یابند. با اوصاف فوق حاضر شهر تهران را از منظر مختصات یک شهر متعادل بررسی و ارزیابی قرار خواهیم داد.



## ۱. طرح مساله

به طوری که پیگیری و اجرای برنامه‌های تعادل بخشی شهری در انتها کاملاً در تضاد و تعارض با اهداف و مقاصد اساسی قرار می‌گیرد. در نمونه مطالعه کلانشهر تهران، اقدامات نوسازانه گسترده بنا به اظهارات و برنامه‌های نهاد متولی مدیریت شهر در دو دهه اخیر مدعی اهداف تعادل بخشی و یکپارچه کردن شکاف دیرینه شمال و جنوب شروع و به اشکال مختلف دنبال شده است. به طوری که در سال‌های نخست دهه ۱۳۷۰ شهردار وقت رسماً اظهار می‌کرد<sup>۲</sup> که به منظور تعدیل قطب‌بندی شمال و جنوب تهران، شهرداری از متقاضیان ساخت و ساز بیش از حد قانونی در مناطق شمال پول دریافت نموده و درآمد حاصل را برای ساماندهی مناطق جنوبی خرج می‌کند تا ساختار نامتعادل شهر به تعادل نزدیک شود (Amir-Ebrahimi, M. ۱۹۹۹, P: ۳۷۰).

صرف نظر از ابعاد مختلف بحث برانگیز چنین اقدامات غیر قانونی می‌توان ساده‌انگاری و نگرش خام متولیان مدیریت شهری را به مفهوم تعادل بخشی به ساختار فضایی شهر ملاحظه نمود. نتیجه این ملاحظه کاسبکارانه نسبت به مفهوم تعادل شهری را می‌توان امروزه در تشدید بیش از بیش و شکل جدید و پیچیده قطب‌بندی فضایی تهران ملاحظه نمود (خیرالدین، ر. ۱۳۸۹).

بررسی چنین برداشت‌های بی‌اساس از مفاهیم تعادل بخشی به ساختار فضایی جامعه شهری ضرورت تبیین دقیق مفهوم و ترجمان مشخص تری از دیدگاه‌های مختلف و مبتنی بر دیدگاه اسلام را روشن می‌کند. با روشن شدن الگویی مفهومی از ساختار فضایی متعادل برای جامعه شهری، وضعیت تهران تحلیل و به کفه ترازوی تعادل گذاشته می‌شود. با این سؤال که چگونه اقدامات شهرسازی مبتنی بر دیدگاه‌های خام و بی‌ریشه نه تنها شهر تهران را به تعادل و پایداری و سرزندگی نمی‌برد بلکه معضلات آنرا تشدید و بیش از بیش لاینحل می‌سازد.

نحوه پیگیری سیاست‌ها و اهداف تعادل بخشی به مناطق شهری ریشه در رویکردهای نظری اساسی و برخی سؤالات مبنایی دارد. در حوزه سیاست‌های عمومی مشخصاً شهری، مفهوم عدالت فضایی تبدیل به مطرح‌ترین، پیچیده‌ترین و ابزاری‌ترین مفهوم می‌گردد که همواره سؤال‌های زیر را به همراه دارد:

آیا مراعات یکدست همه فضاها شرط عدالت فضایی و معنای آن است؟  
 آیا سیاست «عدالت‌انه» همان سیاست بازتوازن بخشی نابرابریها با اشکال متمایزسازی مثبت<sup>۱</sup> است؟  
 آیا سیاست «عدالت‌انه» فقط باید به سادگی با روند پویایی در فضا همراهی نماید و نباید در روند تحول فضایی مداخله نماید؟  
 آیا هدف غایی تعادل فضایی می‌تواند ایجاد ساختارهای فضایی «عدالت‌انه»، پایا و با ثبات به صورت مناطق متوازن و هماهنگ باشد؟

در کنار این سؤال‌ها برخی می‌گویند: «آیا بحث از ایجاد ابزارها و روش‌های ساماندهی انعطاف‌پذیر، با قابلیت ارزیابی کنش‌هاست؟ به طوری که در آن کاهش بی‌عدالتی موجود هدف باشد و شکل فضایی اولویت‌دار و یا شکلی ایده‌آل از یک سرزمین متعادل در نظر نباشد؟ نهایتاً سیمای عینی و فضایی کنش‌های منتهی به عدالت (حتی اگر اغواکننده و فریبنده به نظر رسند) آیا برای همه کنش‌ها قطعی خواهد بود؟ این موضوع در مفهوم عینی کردن سیاست‌های عمومی مشکل‌ساز خواهد بود (P. Gervais-Lambony, F. Dufaix, ۲۰۰۹)».

پاسخ به چنین سؤالاتی بدون توجه به خاستگاه‌های فکری و نظری منجر به گرایش‌ها و راه‌حل‌های خام و ساده‌انگارانه در مباحث سیاست‌های تعادل بخشی به مناطق شهری می‌شود.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

شناخت نظری مفهوم عدالت و تبیین ابعاد آن در تحولات فضایی شهرها و مبانی مورد توجه برای ساماندهی فضا از دیدگاه‌های مختلف با مرور اجمالی اسناد مختلف انجام می‌شود. در تبیین دیدگاه‌های بارز سعی می‌گردد محتوا و مشخصه‌های کلی هر یک به روش تحلیل منطقی نقد گردد. با توجه به گستردگی و پیچیدگی بحث پیرامون مفاهیم نظری و الگوهای عملی عدالت در فضا سعی می‌شود دو دسته از مهمترین دیدگاه‌ها در نظریات موجود در غرب نسبت به عدالت و تعادل بخشی به فضا بحث و ارزیابی شود. نقاط ضعف و نارسایی هر یک از آنها زمینه را برای بررسی مفهوم عدالت و تبیین مشخصه‌های یک جامعه متعادل از دیدگاه اسلام فراهم می‌کند. لذا مفاهیم اسلامی عدالت و تعادل فضایی از منابع عمده اسلامی نقل شده و سعی می‌شود تا حد امکان به روش استدلال عقلی تبیین گردد. در مقاله حاضر مفهوم تعادل بخشی جهت یکپارچگی تمامیت شهر از دیدگاه اسلامی (قرآن و نهج البلاغه) مد نظر قرار می‌گیرد. با تبیین چارچوب نظری عدالت و رویکردهای عینی و عملی به تعادل بخشی فضایی کالبدی در شهر، وضعیت شکاف فضایی در کل نواحی کلانشهر تهران (نواحی ۱۲ گانه شهر) بر اساس شاخص‌های مختلف به روش تحلیل خوشه‌ای (Cluster Analysis) ارزیابی می‌شود. با تبیین مؤلفه‌های مشخص و تعیین شاخص‌های کمی سنجش شکاف فضایی، تحلیل‌های مربوط به ارزیابی یکپارچگی شهری با استفاده از مدل‌های آنالیز مکان مرجع (Geo-referencial) و کار توگرافیک از تمام نواحی شهر بر حسب حدود ۵۰ متغیر کمی صورت می‌گیرد. خروجی‌ها و یافته‌های تحلیل، اقدامات، طرح‌ها و سیاست‌های ساماندهی مناطق شهری توسط مدیریت شهری را در دو دهه اخیر در ترازوی سنجش تعادل شهری قرار می‌دهد. نتایج تحلیل‌های خوشه‌ای با کار توگرافی تلفیقی مشخصات کمی و کیفی نواحی شهری تهران را در دو سوی تعادل و قطب‌بندی فضایی نشان خواهد داد.

## ۳. چارچوب نظری و رویکردهای اسلامی به عدالت و تعادل بخشی ساختار فضایی شهر

عدالت فضایی مشخصه مهم بسیاری از سیاست‌ها و اقدامات مداخله در فضاها شهری است. با اینحال بیشتر به عنوان یک آرمان و افق چشم‌انداز مطرح است تا یک پروژه عینی تثبیت شده. تنوع معانی عدالت خیلی گسترده و بحث‌برانگیز بوده و اهداف متعاقب آن گوناگون و بعضاً متعارض بوده‌اند. لذا تحلیل مفهوم عدالت فضایی که تا دهه هشتاد میلادی<sup>۳</sup> کمتر مورد بحث بوده، بسیار اهمیت می‌یابد<sup>۴</sup>. موضوع عدالت فضایی، به عنوان یک نمود عینی، قبل از آنکه مورد تعریف و تبیین باشد، معمولاً به صورت اعتراض به عدم تعادل فضایی مطرح می‌شود. مفهوم عدالت فضایی افق‌های جالبی از نظر علوم اجتماعی باز می‌کند.

### ۳-۱. عدالت از منظر متفکران غربی و رویکرد آنان در تعادل بخشی به جامعه

در ادبیات مرسوم غربی از بین تفکرات مختلف فلسفی نسبت به عدالت، دو رویکرد نمود بیشتری دارند: اولی روی بازتوزیع منافع تمرکز دارد و دیگری روی چگونگی فرایندهای تصمیم‌گیری نظر دارد. تصور می‌شود که مختصات بیان شده از مفاهیم عدالت و تعادل فضایی در ادبیات مرسوم غربی بین دو رویکرد فوق در حال نوسان است.

**قطب نخست** به نام «جان راولز (John Rawls, ۱۹۷۱)»<sup>۵</sup> مشخص می‌شود. او «عدالت» را مترادف «انصاف» بیان می‌کند که لزوماً مساوات نبوده و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که نتیجه آن به نفع ضعیف‌ترین و محروم‌ترین افراد جامعه باشد. راولز به دو اصل در بیان عدالت می‌پردازد: در اصل نخست به دفاع از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر می‌پردازد و در اصل دوم شرایطی را که در آن می‌توان نابرابری‌های احتمالی موجود را موجه دانسته و آنها را عادلانه بشمار آورد. لذا از یک طرف از آزادی‌های قانونی سیاسی و مدنی برابر برای همه افراد سخن می‌گوید و از طرف دیگر می‌گوید نابرابری‌های اقتصادی باید طوری تنظیم گردد



دراقتصاد اسلامی عدالت جایگاه خاص خود را داشته و از ارکان اساسی آن می‌باشد. این اصل در قرآن و سنت پیامبر و گفته‌های معصومین یکی از مبانی بنیادین اسلامی است و بنا به نص قرآن کریم هدف ارسال پیامبران و کتب آسمانی، برپایی عدالت است. (سوره حدید آیه ۲۶). در آیه ۹۰ سوره نحل خداوند دستور به عدل داده است. در آیه ۸ سوره مائده می‌خوانیم ای گروه مومنان همواره برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، مبدا دشمنی گروهی با شما باعث شود شما به عدالت رفتار نکنید. عدالت پیشه کنید که به تقوی نزدیک‌تر است. اهمیت عدالت به آن حد است که بنا به گفته امام علی (ع) جامعه را جز با عدالت نمی‌توان اصلاح کرد و یا زنده شدن دین و احکام آن به اجرای عدالت است (حکیمی، نام کتاب؟، ۱۳۷۴، ص. ۳۲۵). اصل عدالت به گفته شهید مطهری مقیاس‌هایی از اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است و نه در سلسله معلولات، نه این است که آن چه دین گفت عدالت است، بلکه آنچه عدل است را دین می‌گوید (مطهری، بی‌تا؟، ص ۱۴). در بررسی بیشتر و بیان دقیق‌تری از ابعاد مختلف عدالت در جامعه می‌توان ابعاد اقتصادی آن را که بیشتر از همه ملموس است تشریح کرد:

#### استفاده بهینه از منابع و امکانات

عدالت از دیرباز در این مفهوم مورد استفاده بوده و معروف است که: وضع الشيء فی موضعه الذی ینبغی له؛ یعنی عدالت استفاده از شیء در موردی است که شایسته و سزاوار آن است (بختیاری، نام کتاب؟، ۱۳۸۸). از امام علی این مضمون با عبارتی کلی‌تر نقل شده است: «العدل یضع الامور مواضعها». عدالت قرار دادن هر چیز در موضع مناسب خود است (نهج البلاغه، سخنان حکمت ۴۳۷) و مولوی با الهام از این معنا گفته است:

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعی

ظلم چه بود؟ وضع در ناموضع

عدل چه بود؟ آب ده اشجار را

ظلم چه بود؟ آب دادن خار را

که برای ضعیف‌ترین بخش جامعه بهترین وضع ممکن حاصل شود بدون اینکه آسیبی به منافع دیگر اقشار برسد<sup>۵</sup>. در این دیدگاه پاسخ به این سؤال که چرا ضعیف‌ترین قشر دارای اولویت اول برای برخورداری از منافع بیشتر هستند با چالش مواجه می‌شود. این موضوع برخلاف منطق بهره‌مندی و رشد بیشتر افراد پرتلاش و ساعی در گروه‌های مختلف جامعه است.

**نقطه مقابل** یعنی «جامعه‌گرایان (communitaristes)» مفهوم عدالت اجتماعی را مبتنی بر حقوق جامعه بیان می‌کنند که بر حقوق فردی اولویت دارد. «دیوید هاروی (David Harvey)» که یکی از متفکرین مشهور این حوزه فکری است عمیقاً مارکسیسم را مورد بررسی و کاوش قرار داده و با نگرارش کتاب «عدالت اجتماعی و شهر (Social Justice and the City)» بکارگیری عدالت اجتماعی در تحلیل‌های جغرافیایی را انقلاب در تفکرات جغرافیایی می‌داند (شکویی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۱). در واقع او با طرح وابستگی میان نابرابری‌های اجتماعی و ساختار فضایی جغرافیایی تفکرات خود را بارز می‌سازد.

او به عنوان جغرافی‌دان ضد سرمایه‌داری هنگام پرداختن به عدالت اجتماعی از نظام توزیع عادلانه‌ای سخن می‌گوید که عادلانه بدست آمده باشد. او روی حق ذاتی برابر افراد در برخورداری از توزیع منافع جامعه، قطع نظر از میزان مشارکت آنان در تولید، تأکید دارد. هاروی با تبیین سه معیار «نیاز»، «سود همگانی» و «استحقاق» ماهیت عدالت و تحقق آن در مناطق را توضیح می‌دهد. با تأکید بر معیار استحقاق، تخصیص منابع بیشتر به گروه‌های نیازمندتر و از بعد فضایی آن اعطای منابع اضافی برای جبران مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه را توجیه می‌کند. او سرمایه‌داری را به خاطر عدم تضمین باز توزیع سود منابع به نفع گروه‌ها و مناطق ضعیف مورد نقد و حمله قرار می‌دهد. اما اصرار او بر حقوق بیشتر مناطق ضعیف علیرغم عدم مشارکت آنها در تلاش برای تولید انگیزه تولید و تلاش را برای مناطق و گروه‌ها زیر سؤال می‌برد.

۲-۳. عدالت از منظر اسلامی و رویکردهای اساسی آن به تعادل بخشی جامعه

بی‌نیاز می‌شدند (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۶۱). نکات فوق ابعاد تهدیدکننده حیات اجتماعی یک جامعه را در شرایط فقر ناشی از بی‌عدالتی روشن کرده و به اهمیت توجه به تأمین عادلانه نیازهای اعضای جامعه تأکید می‌کند. لذا رویکردهای توزیع درآمد ملی بین احاد جامعه باید در جهت نابودی فقر و تعدیل شکاف‌های بزرگ اقتصادی در جامعه باشد.

### عمران و توسعه جامعه متعادل

با توجه به تأثیر حاکمیت مناسبات عادلانه در استحکام حیات اجتماعی و اعتقادی جامعه، تداوم و توسعه ساختار فضایی جامعه نیز مستلزم رویکردهای عادلانه و دوری جستن از بی‌عدالتی‌هاست. از امام علی (ع) نقل شده است که هیچ چیز مانند عدالت منجر به عمران و آبادی نمی‌شود<sup>۸</sup>. به عبارت دیگر شرط لازم و کافی برای توسعه و آبادانی عدالت است. با توجه به این اصل هرگونه روش و سیاستی برای ساماندهی و آمایش فضاها و محیط شهری که منطبق با معیارهای رعایت عدالت نباشد با هر توجیهی حتی برای اهداف رشد و توسعه سریع یا حل عاجل یک مشکل شهری قابل توجیه و اغماض نخواهند بود. به عبارتی هیچ هدفی برای توسعه فضایی و شهری وسیله ناعادلانه‌ای را توجیه نمی‌کند.

### ۳-۳. تبیین مختصاتی از جامعه متعادل شهری

در تبیین اجمالی مشخصات یک جامعه متعادل، وصف جامعه در آیه ۱۳ سوره حجرات بسیار قابل تأمل است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». «هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را تیره‌های بزرگ و تیره‌های کوچک قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید نه اینکه به یکدیگر فخر کنید و فخر و کرامت نزد خدا تنها به تقوی است و گرامی‌ترین شما با تقوی‌ترین شما است که خدا دانای باخبر است»<sup>۹</sup>.

در این جامعه تفاوت‌هایی بین گروه‌های مختلف مردم وجود دارد و جامعه کاملاً یکدست و عین هم نیست. بلکه به تفاوت

به نظر آقای جوادی آملی عدالت اجتماعی نوعی مهندسی جامعه بر مبنای شایستگی هاست (جوادی آملی، نام کتاب؟، ص ۱۴۴، ۱۳۹۱). شهید مطهری برای استنباط مفهوم عدالت به مفهوم حقوق طبیعی متوسل می‌شود (ذکر منبع؟). او انسان را موجودی صاحب حق دانسته و مبنای این اصل را دستگاه آفرینش و خلقت می‌داند، و بر این اعتقاد است که خداوند استعدادهایی را در انسان به ودیعه گذاشته که هر کدام از آنها مبنای حق طبیعی است و از این منظر عدالت یعنی اینکه هر صاحب حقی به تمام حقوق خود دست پیدا کند<sup>۱۰</sup>.

### نبودن فقر و نیاز مادی در جامعه

باید دانست که از منظر حضرت پیامبر اسلام فقر عامل اصلی نگرانی ایشان در بین امت خود نبوده است. فلذا می‌فرماید «انی لا اخاف امتی الفقیر» من از امتم به واسطه ترویج فقر نگرانی ندارم. «و لکن اخاف علیهم سوء التدبیر» (عوالی اللالی، ج ۴/ص ۳۹). که اینجا اساساً مسأله تدبیر و سبک زندگی از منظر اسلام بسیار عینیت پیدا می‌کند. ینی این سوء تدبیر و تصمیمات نابجاست که می‌تواند باعث تهدید و عدم تعادل و گسستگی و نهایتاً فقر جامعه شود. آیه ۲۴۸ سوره بقره مربوط به انفاق است و بیان می‌کند که شیطان انسان را وسوسه می‌کند که با انفاق فقیر خواهد شد. در تفسیر نمونه آمده که «در ادامه آیات انفاق در اینجا به یکی از موانع مهم آن پرداخته و آن وسوسه‌های شیطان‌ی در زمینه انفاق است، که انسان را از فقر و تنگدستی میترساند، به خصوص اگر اموال خوب و قابل استفاده را انفاق کند، و چه بسا این وسوسه‌های شیطان‌ی مانع از انفاقهای مستحبی در راه خدا و حتی انفاقهای واجب مانند زکات و خمس گردد». کارکرد انفاق حرکتی برای تعدیل تضادها و فواصل لایه‌های اجتماعی و محو فقر در جامعه است. آثار شوم شیوع فقر ناشی از بی‌عدالتی در جامعه تا حدکفر و بی‌ایمانی جامعه مذمت شده است. آن که معاشش تأمین نباشد، نمی‌توان اعتقاد به معادش را باور داشت<sup>۱۱</sup>. امام کاظم (ع) فرموده اگر در میان مردم به عدالت رفتار می‌شد همه



«پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه». در بند چهارم نیز «تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از مرد و زن، ایجاد امنیت غذایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و در بند نهم «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها» مورد تأکید قرار گرفته است و چنین است که در اصل چهاردهم بار دیگر از قسط و عدل سخن به میان آمده و «دولت و مسلمانان را موظف ساخته تا حتی نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل رفتار و حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند».

با چنین مبانی نظری و بسترهای قانون اساسی موجود، ارزیابی شرایط فضایی-کالبدی جوامع شهری امروز علیرغم تحولات گسترده، چقدر از نشانه‌های تعادل با مختصات ذکر شده را دارد؟ جامعه شهری ما پس از گذشت سه دهه آزمون و خطا در عرصه عدالت اجتماعی دیگر نمی‌تواند همچنان عمل زده و بدون هیچگونه نظریه‌ای در مسیر تعادل بخشی گام بردارد<sup>۱۱</sup>. از طرفی در تولید این نظریه نمی‌توان و نباید با اقداماتی سرسری و به بهانه تولید سریع چنین چیز گرانبهایی، دست به کپی برداری ناقصی از نظریه‌های موجود در این حوزه زد.

در نتیجه برای تولید نظریه عدالت اسلامی نه می‌توان به سادگی و سریع از الگوهای لیبرالیستی و گل سرسبده‌شان که نظریه عدالت به مثابه انصاف «جان راولز (John Rawls)» است استفاده کرد و نه می‌توان عدالت را با ترجمه‌ها و بیان‌های مارکسیستی (David Harvey) دنبال نمود. به عبارت دیگر نه می‌توان اسیر سؤال رابطه عدالت و آزادی (به خصوص آزادی منفی) شد و اینکه چگونه می‌توان این دو را توأمان داشت. نه اینکه می‌توان ماشین چمن زنی عدالت مارکسیستی را به دست گرفت تا جامعه را از کوچک تا بزرگ به زور به نقطه‌ای رساند که حق خیلی‌ها نیست.

گروه برای شناخت همدیگر نیز تأکید شده است. با این ویژگی‌ها اصولاً پیگیری مساوات در همه امر برای گروه‌های اجتماعی نه مطلوب است نه مقدور. بلکه جامعه همه اقشار را در خود جای داده است. پس تعادل اقشار و حتی محلات چنین جامعه‌ای لزوماً تساوی آنها نیست و جامعه از یک پویایی و تنوع در گروه‌های اجتماعی برخوردار است که افراد با شناخت و تعامل با هم هستند. اما تنوع در این جامعه هرگز به معنی تمایز طلبی (Social Discrimination) و تفاخر گروه‌ها در محلات شهری و پایگاه‌های اجتماعی آنها نیست و این تفاوت اقشار در جامعه نباید به جدایی گزینی فضایی-کالبدی (Spatial Segregation) و فخر فروشی ساکنین محلات به همدیگر شود. چراکه «خدای فرزانه بندگانش را از نژادپرستی و تفاخر به ریشه و تبار و ثروت‌اندوزی و دنیاپرستی نهی فرموده و از تحقیر و سرزنش محرومان هشدار می‌دهد»<sup>۱۲</sup>. از این رو تنها امتیاز گروه‌ها و ساکنان در این جامعه متنوع میزان تقوی و خودسازی‌ها و مراقبت‌های معنوی آنهاست نه نژاد و منزلت‌های مبتنی بر معیارهای مادی.

بنا به تأکید قرآن نزدیک‌ترین چیز به تقوا عدالت ورزیدن است (مائده، آیه ۸). پس مهم‌ترین معیار کسب جایگاه و بالاتر پیش خدا رفتار عادلانه در جامعه است. از رهگذر عدل به بهترین بهره‌های تقوا که زندگی در جامعه متعالی یکی از بهره‌های آن است می‌توان نایل آمد (نقل مضمون از جواد املی، ص ۱۵۷ و ۱۶۶، ۱۳۹۱). پس هدف غایی تعادل بخشی در یک جامعه به عنوان ضرورت توسعه آن، بر خورداری ساکنان از حقوق مشروع خود، اجتناب از تبعیض و عدالت‌ورزی خواهد بود. لذا هرگونه رویکرد ساماندهی فضاها شهری که باعث احساس برتری و تفاخر در یک محله در کنار احساس حقارت و فقر در محله‌ای دیگر شود نا عادلانه و مذموم است.

با این سمت و سو بی‌سبب نیست که عدالت به عنوان یکی از شالوده‌های مهم در تدوین اصول قانون اساسی لحاظ شده است. در بند دوازده اصل سوم قانون اساسی آمده است:



۳-۴. جمع‌بندی تفاسیر و نظریه‌پردازی در تعادل بخشی به جوامع اسلامی

خاستگاه تفسیرهای متفاوت از عدالت به این خاطر است که «افراد مبانی تفسیر و تطبیق خود را از خواسته‌ها و نیازهای جغرافیایی خود می‌گیرند (که معمولاً متغیر و بعضاً متناقض است) و نه از وحی و فطرت (که ثابت و مشترک است). لذا مبانی آنها چندان محکم و قابل اعتماد نیست. فرآیند عدالت، آزادی و حقوق بشری که بر منبع اصیل مشترک میان همه انسان‌ها (فطرت) مبتنی نباشد جز الفاظ بی‌محتوایی نیست که هرکس می‌تواند آنرا بر میل خود تفسیر کند (نقل مضمون از جوادی آملی، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۹۱). اسلام و همه ادیانی که از تحریف مصون مانده‌اند عدالت را بر فطرت انسان که اصیل‌ترین وجه مشترک همه انسان‌ها بوده استوار ساخته‌اند. اصول و مبانی برگرفته از فطرت، کلی، دائمی، فرازمانی و فرامکانی‌اند، در نتیجه عدالت اسلامی، منطقی، مقطعی و ویژه‌گروهی خاص نیست (همان، ص ۱۴۵). از اینروست که مرحوم شهید محمد باقر صدر عدالت را به عنوان یک اصل، یکی از مبانی سه‌گانه اقتصاد اسلامی ذکر می‌کند (صدر، محمد باقر، ۱۳۴۹).

گویی باید از زاویه دیگری به عدالت نگاه کرد و به فکر بنایی از نو و محکم بود. این نوشته به هیچ‌وجه نه در حد و اندازه یک نظریه‌پردازی در مورد عدالت فضایی است و نه نویسنده متن، اعتقادی بر داشتن توانایی چنین کاری دارد، بلکه تنها یک آغاز است برای رفع دغدغه موجود در مبانی و جهت‌گیری‌های اصلی آمایش و تعادل بخشی به شکاف‌ها و گسست‌های کالبدی-اجتماعی در روند تحولات شهرسازانه شهرهای کشور. جمع‌بندی اجمالی از ویژگی‌های جامعه شهری متعادل اساساً قریب به مفهوم و مختصات «امت واحده» است<sup>۱۲</sup> که مهمترین ویژگی آن همبستگی اجتماعی اقشار مختلف از طبقات متنوع

اقتصادی و فرهنگی در محلات مختلف در سطح گسترده‌ای از یک جامعه شهری است. در این جامعه تنوع طبقات اجتماعی هرگز منجر به قطب‌بندی و شکاف فضایی نمی‌شود. یکپارچگی و انسجام فضایی و اجتماعی محلات با آمیختگی اقشار مختلف و شهروندان بدلیل باورها و اعتقادات مشترک در کل شهر محقق می‌شود. از این مفهوم امروزه در مباحث و ادبیات مربوط به انسجام و یکپارچگی جوامع شهری در حال تحول و نوسازی به عنوان «همبستگی اجتماعی: Solidarité (Sociale / Social Solidarity)» یاد می‌شود که یکی از اصول و اهداف اصلی سیاست‌های ساماندهی و نوسازی جوامع و محلات شهری است که مثلاً در فرانسه ذیل عنوان قانون «همبستگی و نوسازی شهری: Solidarité et Renouveaulement (SRU)» مصوب سال ۲۰۰۰ صریحاً در متن قانون به آن تأکید شده است (DEMOUNVEAUX Jean-Pierre, 2002).<sup>۱۳</sup> تأکید قانون مربوط به نوسازی بافت‌های شهری روی موضوع تقویت همبستگی اجتماعی در نوسازی بافت‌های شهری نشان از اهمیت موضوع جهت حل یکی از بزرگترین معضلات در ساماندهی فضاها شهری حال حاضر در جوامع غربی است در حالی که در مبانی فکری موجود در دیدگاه اسلامی نسبت به تعادل در فضاها اجتماعی-کالبدی شهر از دیرباز بر همبستگی اجتماعی تأکید گردیده است.

پس جامعه متعادل دارای مناطقی متنوع و متفاوت از اقشار مختلف است که نه مساوی‌سازی و یکدست‌کردن مناطق هدف مقدور است و نه کار کردن صرف برای نفع بیشتر اقشار فقیر هدف مطلوب. بلکه هر کس به اندازه سعی و تلاش و حقوق مشروع خود از مواهب اجتماعی بهره‌مند می‌گردد. محلات پویای جامعه در دسترس و بهره‌مندی همه اقشار جامعه بدون قطب‌بندی‌ها و تمایزهای منفی در آن می‌باشد.





#### ۴. جستجوی مفاهیم در مصادیق: تعادل فضایی یا

##### قطب‌بندی اجتماعی در کلانشهر تهران

۴-۱. بررسی و شناخت مورد مطالعه:

بر اساس آنچه فوقاً به صورت مبانی نظری جامعه شهری متعادل آمد، می‌توان کلانشهر تهران را در ترازوی سنجش قرارداد. تهران از دیرباز به دلیل نحوه گسترش فضایی و گرایش‌های بارز در ساماندهی و توسعه فضایی آن همواره با مشکل گسست اجتماعی و جدایی‌گزینی فضایی ساکنین مواجه بوده به طوری که یک تضاد ریشه‌ای (Antagonism) بین شمال مرفه خوش اقلیم

با جنوب فرودست بد آب و هوا شکل گرفته و تبدیل به شکاف فضایی شمال و جنوب تهران گردیده است (نقل مضمون از Hourcade, B, ۱۹۹۲, ۲۰۹: P). از این رو تعادل بخشی به این شکاف از برنامه‌های دشوار و مورد ادعای مدیریت شهری در دوره‌های مختلف بوده است. به طوریکه نخستین طرح جامع تهران (نقشه ۱) برای مواجهه با شکاف شمال و جنوب شهر، توسعه فضایی شهر را در جهات محورهای شرقی-غربی پیش‌بینی و توصیه کرده است (Kheyroddin, R, ۲۰۰۸).



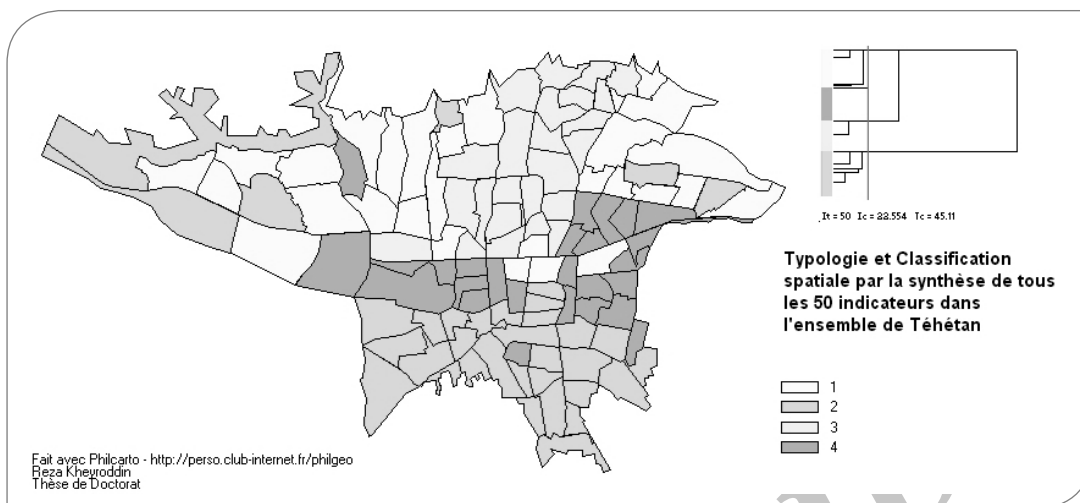
نقشه ۱. طرح جامع نخست تهران ۱۳۴۷، با تحلیل نگارنده.

تهران در دو دهه اخیر شعارها و برنامه‌ها و تحولات مختلفی را در غالب سیاست‌ها و اقدامات مختلف مدیریت شهری جهت تعادل بخشی و یکپارچه‌سازی ساختار کل شهر را تجربه کرده است. کیفیت زندگی و گونه بندی نواحی مختلف کلانشهر تهران (۱۱۲ ناحیه شهری) به کمک حدود ۵۰ شاخص کمی<sup>۱۴</sup> که وجوه مختلف ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی و فضایی-کالبدی را نشان می‌دهد بررسی می‌شود.

- |                                       |   |
|---------------------------------------|---|
| ۱. ٪ مسکن اجاره‌ای                    | ۲۶. ٪ شاغلین بخش صنعت                         |
| ۲. ٪ واحدهای بیش از ۲ خانوار بر مسکن  | ۲۷. ٪ شاغلین بخش تجارت                        |
| ۳. ٪ واحدهای بیش از ۳ خانوار بر مسکن  | ۲۸. ٪ شاغلین بخش ساختمان                      |
| ۴. ٪ واحدهای بیش از ۶ خانوار بر مسکن  | ۲۹. ٪ شاغلین بخش معدن، گاز، آب و برق          |
| ۵. درصد خانوارهای ساکن فقط در یک اتاق | ۳۰. ٪ شاغلین بخش آموزش                        |
| ۶. بعد متوسط خانوار                   | ۳۱. ٪ شاغلین بخش سلامت و درمان                |
| ۷. ٪ خانوارهای بیش از ۸ نفر در مسکن   | ۳۲. ٪ شاغلین بخش امور بین الملل               |
| ۸. ٪ مالکین عرصه و عیان               | ۳۳. ٪ مهاجرین                                 |
| ۹. ٪ مالکین عرصه                      | ۳۴. ٪ مهاجرین با مبدأ روستایی                 |
| ۱۰. ٪ مسکن بالای ۶ اتاق               | ۳۵. ٪ مهاجرین با مبدأ شهری                    |
| ۱۱. ٪ مسکن بر خوردار از همه تسهیلات   | ۳۶. ٪ جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال                      |
| ۱۲. ٪ مسکن دارای آشپزخانه و حمام      | ۳۷. ٪ جمعیت بالای ۶۵ سال                      |
| ۱۳. ٪ مسکن دارای فقط حمام             | ۳۸. ٪ جمعیت دارای شغل                         |
| ۱۴. ٪ مسکن دارای فقط آشپزخانه         | ۳۹. ٪ جمعیت دارای درآمد و مستمری              |
| ۱۵. ٪ مسکن دارای شوفاژ مرکزی          | ۴۰. ٪ جمعیت دارای سواد خواندن و نوشتن         |
| ۱۶. ٪ مسکن دارای گاز طبیعی            | ۴۱. نسبت جنسی جمعیت دارای سواد خواندن و نوشتن |
| ۱۷. ٪ مسکن بادوام                     | ۴۲. ٪ جمعیت دبستان و راهنمایی                 |
| ۱۸. ٪ مسکن نیمه بادوام                | ۴۳. ٪ جمعیت دارای سواد سطح دبستان و راهنمایی  |
| ۱۹. ٪ مسکن کم دوام                    | ۴۴. ٪ جمعیت دبیرستان و دانشگاهی               |
| ۲۰. متوسط نسبت جنسی مرد به زن         | ۴۵. ٪ جمعیت دارای سواد سطح دبیرستان و دانشگاه |
| ۲۱. ٪ جمعیت زیر ۴ سال                 | ۴۶. ٪ جمعیت دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی      |
| ۲۲. ٪ جمعیت ۰ تا ۱۴ سال               | ۴۷. ٪ جمعیت دانش آموزان مدارس دولتی           |
| ۲۳. ٪ جمعیت زن ۱۰ تا ۱۹ سال متأهل     | ۴۸. نسبت تعداد شیفت مدارس در روز بر کل مدارس  |
| ۲۴. ٪ جمعیت مرد ۱۰ تا ۱۹ سال متأهل    | ۴۹. تعداد مدرسه بر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۶ تا ۲۴ سال |
| ۲۵. ٪ جمعیت بیکار                     | ۵۰. متوسط دانش آموز بر هر کلاس                |

تلفیق همزمان مقادیر کمی هر یک از این شاخص‌ها بیانگر ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به همراه مشخصات کیفیت اسکان در نواحی مختلف ۱۱۲ گانه شهر تهران می‌باشد. برای حصول به گونه‌های مشابه و پهنه‌های همگنی از نواحی شهری بر حسب شاخص‌های مذکور از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. خروجی کار توگرافیک تحلیل مذکور با نرم افزار با قابلیت تحلیل فضایی اطلاعات زمین مرجع (Phlcarto) در نقشه شماره (۲) در ۴ پهنه همگن در کل ساختار تهران بدست آمده است. بررسی شرایط شاخص‌ها در هر یک از پهنه‌ها ویژگی‌های فضایی - کالبدی و اجتماعی - اقتصادی هر یک را نشان می‌دهد:





نقشه ۲. گونه‌شناسی ساختار فضایی (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) با تحلیل خوشه‌ای ۵۰ متغیر برای ۱۱۲ ناحیه شهری.

#### ۴. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای: تهران در ۴ تصویر

**پهنه آبی روشن:** «شمال مرفه و متجدد»

این پهنه نواحی شمال و شمال مرکزی تهران که اقشار متمول از نظر مشاغل، آموزش، کیفیت مسکن و غیره را شامل می‌شود که شامل نواحی زعفرانیه، الهیه، فرمانیه، چیترا و تجریش در منطقه یک و شهرک قدس، کوی نصر و ژاندارم‌ری در منطقه دو و نواحی مانند ونک، قلهک، دروس، اختیاریه در منطقه سه را در بر دارد. نواحی از این پهنه بعنوان محلات ثروتمند و برخوردار شناخته میشوند. این پهنه بطور ضمنی نشانگر «تهران متجدد» با کیفیت بالای ساخت، ساکنان با مشاغل سطح بالا، ساکنان مرفه است که فاصله ملموسی با کل محلات پهنه‌های دیگر تهران دارد.

**پهنه زرد:** «محلات جدید با اقشار متوسط»

قریب به نصف مساحت مناطق شمالی شهر تهران در این پهنه از نظر کل شاخص‌ها شباهت زیادی به پهنه نواحی آبی روشن دارد با این تفاوت که جمعیتی جوان‌تر، درآمدی پایین‌تر، ساکنان مهاجر با مبدأ شهری و بعد خانوار بالاتر را دارند. این پهنه محلات نسبتاً جدیدی تحت تأثیر توسعه‌های دهه ۷۰ با گسترش‌های سریع در بستر گرایش‌های توسعه کالبدی توسط مدیریت شهری را در بر دارد و جدایی‌گونه و طبقه‌ای جدید در اقشار اجتماعی را در پهنه کل فضای تهران نشان می‌دهد.

#### پهنه سبز: «تهران فرودست و فقیر»

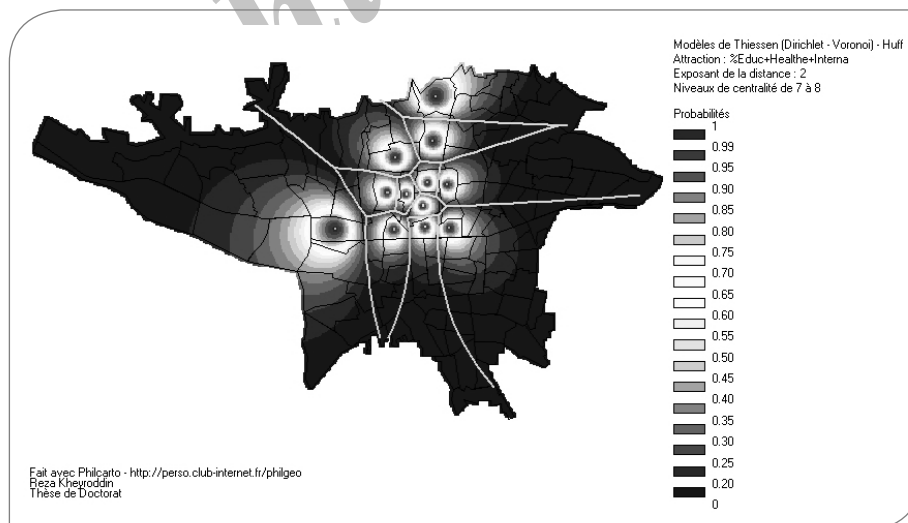
این پهنه که عمدتاً نواحی جنوبی و برخی نواحی در حواشی شهر را تشکیل می‌دهد و در بر دارنده فقیرترین اقشار تهران برحسب درآمد، نرخ بیکاری، سطح آموزش، کیفیت اسکان، میزان اشتغال و ساکنان مهاجر با مبدأ روستایی است. علیرغم برنامه‌های مورد ادعای مدیریت شهری در دو دهه اخیر این پهنه از نظر شاخص‌های متعدد ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی و فضایی-کالبدی به مناطق بالاتر نزدیک نشده و با آنها یکپارچه نشده است بلکه بر اساس شاخص‌های کمی به شکاف بیشتری با محلات متمول رسیده است (خیرالدین، ر. ۱۳۸۹). برای همین به صورت پهنه‌ای کاملاً مشخص به جدایی و شکاف فضایی بیشتری در کل شهر رسیده است. بی‌سبب نیست که چنین پهنه‌هایی در برخی حواشی شهری (حتی در نواحی شمال جغرافیایی شهر مانند فرحزاد، خاک سفید در شمال شرق، شمیران نو، وردآورد در شمال غرب) که با نابسامانی بیشتری روبرو هستند نیز در این طبقه قرار می‌گیرند که نمود بارز جدایی‌گزینی فضایی و شکاف اجتماعی در شهر تهران طی تحولات گسترده شهری در تهران است. با پیدایش چنین پهنه‌هایی در نواحی حومه‌ای مدل دیرینه «شکاف شمال-جنوب» تهران به شکلی جدید و بصورت گسست بین مرکز-پیرامون شهر نزدیک می‌شود که تحلیل فضایی آن را بیش از پیش دشوار می‌سازد.

**پهنه آبی: «تهران قدیم و سنتی»**

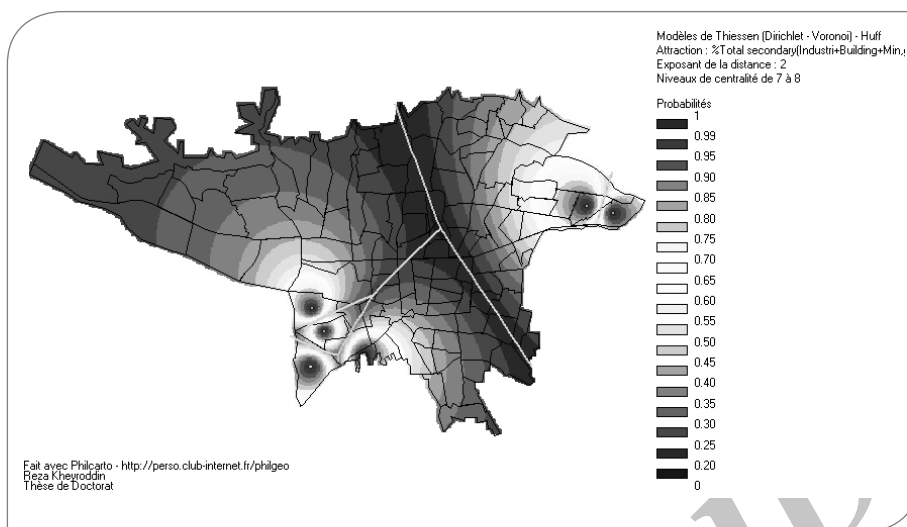
نواحی مرکزی شهر و محور شرقی-غربی تشکیل دهنده محلات قدیمی شهر و ناحیه محله قدیمی کن در شمال غرب با ویژگی‌های روستایی نسبتاً باقیمانده آن این پهنه را تشکیل می‌دهند. نواحی این پهنه نسبت به پهنه‌های جنوبی فقیر از ساکنان قدیمی‌تر و به نسبت برخوردارتر، با بیکاری کمتر هستند. این پهنه تا حدی بیانگر تهران مرکزی و قدیم با برخی محلات اصیل بوده که اقشار اجتماعی با مشخصات خود را در کل تهران متمایز ساخته است. ناحیه نازی آباد علیرغم اینکه با نواحی پهنه‌های فقیرتر احاطه شده ولی در پهنه آبی قرار گرفته است. این محله با اینکه از محلات جنوبی تهران است ولی با توجه به سابقه برنامه‌ریزی و آمایش کاربری‌های آن در بدو احداث این محله (از اواخر دهه ۳۰) از شاخص‌های نسبتاً مناسب فضایی برای ساکنین کارگری بوده است. لذا به طور نسبی یکی از محلات مورد علاقه ساکنین خود بوده است. این موضوع از جهتی بیانگر این است که مداخلات هدفمند و برنامه‌ریزانه مدیریت شهری حتی در مناطق جنوبی و فقیرتر

شهر می‌تواند به محلات را به سطوح مطلوب‌تری برساند و یکپارچگی شهری را بجای جدایی‌گزینی شهری تقویت کند. از این رو رویکردهای سوداگرانه مدیریت شهری تهدید اصلی تعادل بخشی به ساختار فضایی کل شهر بوده و قطب‌بندی شهری را تشدید می‌کند.

۳-۴. یافته‌های تحلیل مرکزیت اسکان فضایی اقشار مختلف در صورتی که بخواهیم تصویری واضح‌تر از برخی شکاف‌ها در ابعاد مختلف ساختار فضایی تهران نشان دهیم. تحلیل فضایی از پهنه‌های اسکان از اقشار مختلف شاغلین با استفاده از مدل جاذبه هوف (Méthode de Huff) نقشه‌های زیر حاصل می‌شود. خروجی تحلیل به خوبی روی نقشه (۳) نشان می‌دهد که عمدتاً شاغلین بخش آموزش عالی، سلامت، درمان، تجارت و امور بین‌الملل در پهنه‌های شمالی و شمال مرکزی شهر دارای بیشترین تمرکز و سکونت هستند. این در حالی است طبق نقشه (۴) که شاغلین بخش‌هایی مانند کارگران ساختمانی، معدن، صنایع کارگاهی و گاز و مشاغل غیر تخصصی در نواحی حاشیه‌ای و غیر برخوردار شهر دارای بیشترین تمرکز اسکان هستند.



نقشه ۳. مرکزیت اسکان جمعیت شاغل در بخش‌های آموزش، درمان، تجارت و امور بین‌الملل



نقشه ۴. مرکزیت اسکان جمعیت شاغل در بخش‌های کارگری ساختمان، معدن، صنایع کارگاهی و گاز

مقایسه این دو نقشه به خوبی جدایی‌گزینی اسکان در اقصاء مختلف اجتماعی در «محلات کارگری» را با «محلات مرفه» نشان می‌دهد و نشان از یک عدم تعادل و نبود یکپارچگی در کل شهر است. وضعیت گسستگی اقصاء مختلف در پهنه‌های فضا احساس دوگانگی و تضاد را در نواحی تقویت و نهادینه می‌کند که تهدید دیگری برای تعادل فضایی ساختار شهری است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

تحلیل کار توگرافیک ساختار فضایی کل شهر تهران، جدایی‌گزینی اجتماعی اقتصادی موجود در تهران را در پهنه‌های مشخصی از کل شهر نشان می‌دهد و به نوعی حکایت از آن دارد که پیامد تحولات گسترده فضایی تهران در دو دهه اخیر بیش از آنکه منجر به تعادل فضایی در تهران شده باشد بیشتر به گسست فضایی انجامیده است. این موضوع باز پرداختن به انتخاب گزینه‌های راهبردی در نگرش به هدف والای تعادل بخشی در سیاست‌های شهرسازی مدیریت شهری را ضروری می‌سازد. لذا نه تنها نسبت به مبانی نظری رویکردهای اصلی ساماندهی فضاها در جامعه شهری باید توجه داشت بلکه باید تلاش کرد به معانی دقیق و عمیق مفاهیم عدالت و تعادل بخشی فضایی بر حسب مبانی دین مبین اسلام بعنوان بستر و خواستگاه فکری و اعتقادی جامعه نزدیک شد. چرا که برداشت‌های سریع و احتمالاً بی‌ریشه از دیدگاه‌های غیر اصولی برای استفاده در سیاستگذاری‌های ساماندهی و تعادل بخشی جامعه شهری، متولیان مدیریت شهری را در وظایف و مأموریت‌های خود به بیراهه می‌برد. برداشت‌های سطحی و منفعلانه از مفاهیم پایه تعادل بخشی عملاً در مواردی به روش‌های بی‌پایه توجیه برخی سیاست‌های غلط گردیده است که به عنوان وسایل دستیابی به اهداف تعادل بخشی عنوان شده‌اند. مدیریت شهری تهران با ابتلا به چنین گرفتاری‌هایی مثلاً در سال‌های نخست دهه ۱۳۷۰ اظهار می‌کرده که به منظور تعدیل قطب‌بندی شمال و جنوب تهران، شهرداری از متقاضیان ساخت و ساز بیش از حد قانونی در مناطق شمال پول دریافت نموده و درآمد حاصل را برای ساماندهی مناطق جنوبی خرج می‌کند تا ساختار نامتعادل شهر به تعادل نزدیک شود. ولی عملاً دیدیم نه تنها شمال و جنوب شهر به هم نزدیک نشد بلکه جدایی‌گزینی فضایی طی دو دهه اخیر تشدید هم شد. در حالی که هرگز هدف وسیله را نمی‌توانست و نمی‌تواند وسیله را توجیه نماید. اقدامات بی‌اصالت نظری و عملی در جهت‌گیری‌های کلان ساماندهی شهری نه تنها توفیق نمی‌یابد بلکه عملاً به محصولات و پیامدهای غیر از مقاصد مورد نظر منتهی می‌شوند. دلمشغولی مقاله حاضر این بوده که ضمن باز خوانی و تا حد امکان باز تبیین از مفهوم عدالت فضایی و تعادل بخشی شهری، تلاشی در سنجش کلان-مقیاس تحولات شهری با مختصات تعادل فضایی را شروع نماید. بدیهی است پیدا کردن الگوهای مفهومی بررسی این موضوعات بر حسب مبانی نظری مربوطه از محورهای مورد سوال برای ادامه آن خواهد بود.

1. Positive Discrimination.

۲. نگاه کنید به همشهری، مصاحبه غلامحسین کرباسچی، شماره ۱۱-۱۲، ص: ۱۵.

۳. نگاه کنید به دیدگاه ها و نقدهای رادیکال دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ در:

HARVEY David, 1973, Social Justice and the City, London, Edward Arnold.

۴. همچنین نگاه کنید به:

- Edward W. Soja, 2010, Seeking Spatial Justice, Minneapolis, University of Minnesota Press.
- Voir tout particulièrement le stimulant ouvrage d'Edward W. Soja, 2010, Seeking Spatial Justice, Minneapolis, University of Minnesota Press. On se reportera aussi utilement à Critical Planning, UCLA Urban Planning Journal, Volume 14: Spatial Justice Summer 2007 [archive]
- En particulier, le colloque de l'Université Paris Ouest-Nanterre consacré au thème en mars 2008. Dans la même dynamique intellectuelle, Justice spatiale/Spatial Justice, une revue scientifique électronique autour de la notion de Justice Spatiale, publiée en français et en anglais, par l'Université Paris-Ouest Nanterre (France), a été créée en 2009: <http://jssj.org/> [archive]

۵. برای بحث مفصل روی نظریات جان راولز زوایای عدالت فضایی به مقاله زیر مراجعه شود:

Bernard Bret, « L'universalisme rawlsien confronté à la diversité du réel »[archive], Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009.

۶. البته برای توضیح این تعریف باید به تبیین مفهوم حق پرداخت. گرچه بحث این که انسان چگونه و از کجا صاحب حق می شود تا دستیابی به آن عدالت و عدم دستیابی به آن ظلم و بی عدالتی تلقی گردد، بحث دیگری خارج از موضوع بحث فعلی است.

۷. نقل از پیامبر اکرم (ص): «من لا معاش له لا معاد له»، (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۹۵) «کاد الفقر ان یکون کفرا» (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۳۰۷)

۸. «عمرت البلدان به مثل العدل»، (نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ۱۹۳)

۹. ترجمه از تفسیر المیزان، قابل دسترس در سایت تبیان: (المیزان، سید حسین طباطبائی، جلد ۱۸، ص ۴۸۷)

۱۰. نقل از تفسیر مجمع البیان: (مجمع البیان، طبرسی، جلد ۲۶، ص ۳۵۹)

۱۱. این موضوع یکی از دغدغه های اصلی رهبری نظام در دومین هم اندیشی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در مورد عدالت و لزوم تولید نظریه اسلامی بوده است (بولتن نیوز، کد خبر: ۴۸۴۲۶، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰). ۱۳۹۲/۷/۶.

۱۲. اشاره به آیه ۹۲ سوره انبیاء

13. le 13 décembre 2000, le terme est consacré par le législateur qui insère dans un titre de loi: la loi «solidarité et renouvellement Urbain» (SRU).

۱۴. هر یک از این شاخص ها از روی داده های مختلف مرکز آمار ایران که در مقیاس ناحیه شهری ارائه شده تنظیم و محاسبه شده است.

۱. بختیاری، صادق (۱۳۷۹)، عدالت و توسعه در اقتصاد اسلامی، فصلنامه انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره چهارم
۲. بختیاری، صادق ۱۳۸۸، عدالت، عدالت اسلامی و سهام عدالت، فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۲ / پاییز ۱۳۸۸ / صص ۹۷-۷۱.
۳. توسلی، حسین (۱۳۷۶)، مبنای عدالت در نظریه جان راولز، نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم و سوم.
۴. جوادی آملی عبدالله، ۱۳۹۱، کوثر کربلا، تحقیق و تنظیم: علی اسلامی و سعید بندعلی، مرکز نشر اسراء، قم.
۵. حاتمی نژاد، حسین، و راستی عمران. عدالت اجتماعی و عدالت فضایی (منطقه ای)، سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۹-۲۷۰، صص ۸۲-۹۵.
۶. حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶)، تعریف عدالت "از زبان امام صادق (ع)، نقد و نظر، سال سوم، بهار و تابستان.
۷. خیرالدین، رضا. (۱۳۸۹) تحلیل زمین مرجع اقدامات مدیریت شهری تهران در دوره ۱۳۷۲-۱۳۸۶ بسوی یکپارچگی شهری یا تشدید شکاف فضایی؟ مجله هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران، شماره ۴۲، زمستان. صص ۷۱-۸۲.
۸. شکویی، حسین، ۱۳۷۸، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، گیتاشناسی
۹. قرآن کریم
۱۰. آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. راولز، جان، ترجمه مصطفی ملکیان (۱۳۷۶) عدالت و انصاف، و تصمیم گیری عقلانی، نقد و نظر، سال سوم، شماره های دوم و سوم.
۱۲. صدر، محمد باقر (۱۳۴۹)، اقتصاد ما، بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، جلد دوم، ترجمه اسپهبدی،
۱۳. عیوضلو حسین (۱۳۷۹)، بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارایی در نظام اقتصاد اسلامی، پایان نامه دکترای اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، عدل الهی، قم انتشارات حکمت.
۱۵. نظری، حسن (۱۳۸۲)، عدالت اقتصادی از نظر هایک و اسلام، نامه مفید، شماره ۳۵
۱۶. نهج البلاغه
۱۷. هاروی، دیوید، (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حایری، بهروز منادی زاده، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری

1. Alain Reynaud, 1981, Société, espace et justice, Paris, PUF.
2. Bernard Bret, « L'universalisme rawlsien confronté à la diversité du réel », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009
3. Coll., « Justice spatiale », Annales de Géographie, n°665-666, jan-avril 2009.
4. Coll., Spatial Justice, Critical Planning, Volume 14, été 2007.
5. D. M. Smith, 1994, Geography and Social Justice, Oxford, Blackwell.
6. David Harvey, 1973, Social Justice and the City, London, Edward Arnold.
7. David Harvey, 1992, Social justice, Postmodernism and the City, International Journal of Urban and Regional Research, 16, 4, pp. 588-601.
8. DEMOUVEAUX Jean-Pierre. La notion de renouvellement urbain. In : GRIDAUH, Droite de l'urbanisme de l'aménagement et de l'habitat, Editions de Moniteur, 2002, pp : 125-140.

9. Edward W. Soja, «La ville et la justice spatiale », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009
10. Edward W. Soja, 2000, Postmetropolis, Critical Studies of Cities and Regions, Oxford, Blackwell.
11. Edward W. Soja, 2010, Seeking Spatial Justice, Minneapolis, University of Minnesota Press.
12. Gervais-Lambony, P., Dufaux F. "Justice... spatiale !", Annales de Géographie, n° 665-666, 2009, p.12
13. Gordon Pirie, 1983, On Spatial Justice, Environment and planning, A 15, pp. 465-473.
14. Henri Lefebvre, 1968, Le Droit à la ville, Paris, Anthropos.
15. Henri Lefebvre, 1972, Espace et politique, Paris, Anthropos.
16. HOURCADE B. Urbanisme et crise urbaine sous Mohammad-Reza Pahlavi. In : ADLE C., HOURCADE B. Téhéran Capitale bicentenaire. Paris-Téhéran : IFRI, 1992, 390p. pp : 207-222.
17. Iris Marion Young, 1990, Justice and the Politics of Difference, Princeton, Princeton University Press.
18. Iris Marion Young, 2000, Inclusion and Democracy, Oxford, Oxford University Press.
19. John Rawls, 1971, A Theory of Justice, Cambridge, Harvard University Press. Traduction française : 1987, Théorie de la justice, Paris, Seuil.
20. KHEYRODDIN, Reza. « Du modèle « nord-Sud polarisé » au modèle « Centre-Périphérie, Transformation urbaine à Téhéran métropole ». In : Colloque international de l'Association de Science Régionale de Langue Française (ASRDLF), Territoires et action publique territoriale : nouvelles ressources pour le développement régional, Université du Québec à Rimouski, Canada, 25-26-27 Août 2008. <http://asrdlf2008.uqar.qc.ca/papiersenligne.html> [http://asrdlf2008.uqar.qc.ca/Papiers%20en%20ligne/KHEYRODDIN%20G.%20V.%20Reza\\_texte%20ASRDLF%202008\\_mod%E8le.pdf](http://asrdlf2008.uqar.qc.ca/Papiers%20en%20ligne/KHEYRODDIN%20G.%20V.%20Reza_texte%20ASRDLF%202008_mod%E8le.pdf) [21/08/2008]
21. Lisa Brawley, « La Pratique de la Justice Spatiale en Crise », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009
22. Mustafa Dikeç, « L'espace, le politique et l'injustice », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009
23. Peter Marcuse, « La justice spatiale : à la fois résultante et cause de l'injustice sociale », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009
24. Susan S. Fainstein, «Justice spatiale et aménagement urbain », Justice spatiale | Spatial Justice, n° 01, septembre 2009